

دروغگویی

غریزان و همسران

دکتر مسیحی میرزابیگی

(استاد انشائه و مدرس آموزش خانواده)

توریه شادالویی

فرهنگ ادبی (زبان)

سرشناسه	میرزا بیگی، حسنعلی، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور	دروغگوی فرزندان و همسران / حسنعلی میرزابیگی، نوریه شادالویی، فرهاد میرزابیگی.
مشخصات نشر	تهران، آواستن، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۱۴۳ ص، ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	978-600-6848-32-7
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
موضوع	راستگویی و دروغگویی
موضوع	راستگویی و دروغگویی -- جنبه‌های مذهبی
موضوع	راستگویی و دروغگویی در کودکان
شماره افزوده	شادالویی، نوریه، ۱۳۳۷ -
شماره افزوده	میرزابیگی، فرهاد، ۱۳۶۳ -
رده بندی گره	۶۳۷BF / ۱۶م ۹۴۹۴
رده بندی دیویی	۱۵۸
شماره کتابشناسی ملی	۰۲۹۹



دروغگوی فرزندان و همسران

دکتر حسنعلی میرزابیگی

(استاد دانشگاه و مدرس آموزش خانواده)

نوریه شادالویی / فرهاد میرزابیگی

طرح جلد: تقی(فرزاد)ممیدی منش

چاپ اول: ۱۳۹۴ ■ چاپ و صفای: فرشیه

شمارگان: ۳۰۰۰ ■ قیمت: ۸۰۰۰ تومان

978-600-6848-32-7 ■ شابک: ۷-۳۶-۴۸۴۸-۶۰۰-۹۷۸

کلیه حقوق برای نویسنده محفوظ است.

تلفن دفتر نشر آوا متن: ۶۶۹۶۴۱۶۶

فهرست

۹	 مقدمه
۱۷	 تعریف دروغ
۱۸	 دروغ در سن‌های مختلف
۱۸	 در سن ۲ تا ۶ سالگی
۲۰	 دوران ۶ تا ۱۲ سالگی
۲۱	 دوره نوجوانی ۱۲ تا ۱۸ سالگی
۲۲	 دروغ و کودکان
۲۲	 چرا بچه‌ها دروغ می‌گویند؟
۲۵	 چه عوامل باعث دروغ می‌شود؟
۲۶	 ۱- اولین عامل دروغ گفتن ترس از تنبیه و مجازات است
۲۸	 ۲- احساس فشار
۲۸	 ۳- دروغ برای حفاظت از حس استقلال
۲۹	 ۴- دروغ به خاطر ناتوانی در انجام کاری
۳۰	 ۵- دروغ به جای برآوردن آرزو
۳۲	 ۶- حسادت و رقابت
۳۳	 ۷- دروغ به منظور سرگرمی و مزاح
۳۳	 ۸- دروغ برای جلب نظر کردن
۳۴	 ۹- دروغ برای تاثیرگذاری روی دیگران
۳۴	 ۱۰- دروغ خودنمایی
۳۵	 ۱۱- دروغ برای کمک به خود فربشی
۳۶	 ۱۲- انتقام‌گیری
۳۷	 ۱۳- دروغ برای کمک به دیگران یا دروغ مصلحتی
۳۸	 ۱۴- دروغ برای به دست آوردن یک موفقیت خوشایند
۳۹	 ۱۵- دروغ که می‌تواند از راست بهتر باشد
۴۰	 ۱۶- الگوگیری از دیگران
۴۱	 ۱۷- دروغ برای حفظ عزت نفس
۴۲	 ۱۸- تحسین و تثبیت رفتار به طور غلط
۴۲	 ۱۹- دروغ به خاطر تسلیم پدر و مادر
۴۳	 ۲۰- تخلیل کودکانه
۴۳	 ۲۱- دروغ برای حس هویت فردی
۴۴	 ۲۲- حقیقت‌ها که کتمان نمی‌شوند
۴۴	 ۲۳- خشنودی و شاد کردن پدر و مادر

۲۴		۴۵
۲۵		۴۵
۲۶		۴۵
۲۷		۴۵
۲۸		۴۶
۲۹		۴۶
۳۰		۴۷
۳۱		۴۸
۳۲		۴۸
۳۳		۵۳
۳۴		۵۴
۳۵		۵۸
۳۶		۵۹
۳۷		۶۸
۳۸		۷۴
۳۹		۷۸
۴۰		۷۹
۴۱		۷۹
۴۲		۷۹
۴۳		۸۴
۴۴		۸۶
۴۵		۸۶
۴۶		۸۷
۴۷		۸۷
۴۸		۸۷
۴۹		۸۸
۵۰		۸۸
۵۱		۸۸
۵۲		۹۰
۵۳		۹۰
۵۴		۹۰
۵۵		۹۱
۵۶		۹۱
۵۷		۹۲
۵۸		۹۳

۹۴	وظایف پیشگیرانه والدین
۹۹	توریه کردن
۱۰۰	دروغ‌های حرامی که مردم در آن‌ها سهل انگارند
۱۰۲	اجتناب از کذب و طریقه خلاصی از آن
۱۰۴	چرا بعضی از کودکان دروغ می‌گویند
۱۰۶	ناتوانی یکی از علل دروغ‌گویی
۱۰۷	پدر و مادر، یکی از علل دروغ‌گویی
۱۰۹	خود نمایی در کودکان
۱۱۱	دروغ‌گویی کودکان دلایل و راهکارهای مقابله
۱۱۴	الگوگیری کودکان
۱۱۵	راهکارهای لازم
۱۱۶	ریشه‌یابی علت دروغ‌گویی
۱۱۹	اطمینان از سلامت روان
۱۱۹	دقت در حرف زدن و اصلاح حرف دیگران
۱۲۰	نیاز به حرف زدن
۱۲۰	کمک گرفتن از بازی
۱۲۱	تأمین امنیت و آرامش
۱۲۱	دروغ‌گویی در مدرسه
۱۲۳	با دانش آموز دروغگو چگونه برخورد نمود
۱۲۷	اشتباه‌های متداول در رویارویی با دانش آموزان یا کودکان دروغگو
۱۳۰	از کجا متوجه شویم که کسی دروغ می‌گوید
۱۳۱	مشخصات افراد دروغ‌گو
۱۴۰	منابع

مقدمه

- آیا دروغ‌گویی کودکان ارثی است؟
- آیا دروغ‌گویی کودکان به علت کشمکش‌های عاطفی است؟
- آیا دروغ‌گویی کودکان به دلیل اختلال در دستگاه عصبی و مغز است؟
- یا هاست، یا علت فیزیولوژیکی دیگری دارد؟

با وجود همه این‌ها و مادرها خیرخواه فرزندانشان هستند، نمی‌خواهند هیچ مشکلی برای آنها پیش آید و تمام تلاش آن‌ها این است که تربیت صحیحی اعمال کنند، پس مشکل دروغ‌گویی از کجاست؟ شاید بتوان گفت دروغ‌گویی یک بیماری واگیر غیرسازمان یافته است که با رفتارهای رفتاری دیگران سرایت می‌کند و می‌توان آن را یادگیری از راه تجربه در جریان رشد نامید. چون خانواده‌ها دو نوع رفتار از خود بروز می‌دهند: یکی صفات و رفتارهای سازنده و راهنمایی‌های معقول که منطقی هستند و دیگری رفتارهای غیرمنطقی و احساسی که منجر به بروز تمام مشکلات رفتاری می‌شود و بازدارنده رشد کودکان است. این نوع رفتارها مورد تقلید کودک واقع می‌شود و مشاهده‌گر (کودک) و «مُودهنده» (پدر و مادر) باعث یک الگوسازی از طریق تقلید می‌شوند که مثل آن‌ها حرکت بزنند و مثل آن‌ها دروغ بگویند. در عین حال اگر کودکی کارهای ناپسند را حین سبزه‌پر و مادر انجام دهد، با بکن و نکن‌های مکرر آنها روبه‌رو می‌شود، چرا؟ چون از حوصله آن‌ها خارج است. در مواردی دیگر سایر بزرگسالان مثل آموزگار، خواهر و برادر و حتی الگوهای تخیلی تلویزیونی نیز باعث تقلید می‌شوند.

پس نتیجه این که روند یادگیری از طریق تقلید، نه می‌تواند خوب باشد و نه بد، بلکه صرفاً یکی از راه‌هایی است که فرزندان از طریق چشم‌الگوپذیری می‌کنند. اما این که کودک رفتار بد را تقلید کند یا خوب، به رفتاری بستگی دارد که مورد مشاهده قرار می‌دهد. مثلاً اگر رفتارها ناخوشایند باشد، مثل: دروغ‌گویی، غیبت و ... رفتارهای منافقانه، احتمال تقلید بیشتر از رفتارهایی مثل مشارکت و مهربانی خواهد بود. زیرا رفتارهای ناخوشایند بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند و واکنش بایی را در پی دارند. مثلاً وقتی پدری دروغ می‌گوید و فحاشی می‌کند، بیشتر نظرها به خود جلب می‌نماید تا این که بخواهد فقط راست بگوید. از طرفی این رفتارها مغایر با ارزشی است که خود پدر و مادر آموزش داده‌اند و با آن‌ها در تعارض است. این دو رویکرد در دورنگی برای کودک جای سوال و بحث است که آن‌چه از من انتظار می‌رود با رفتارهای آن‌ها کاملاً مغایرت دارد. مهمتر از همه این که وقتی رفتاری غیر منصفی مثل دروغ‌گویی، ناسزا گفتن، عصبانیت و ... از خود کودک نیز سر می‌زند، او بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و این کار خودبه‌خود ابزاری برای جلب توجه دیگران می‌شود. نکته دیگر این که شاید بچه‌ها به واسطه بعضی رفتارها بخواهند عقده‌ای را که دارند، تخلیه نمایند. یعنی خود آن‌ها مورد خشم و عصبانیت قرار گرفته‌اند یا تنبیه شده‌اند و حال می‌خواهند همین رفتار را بروز دهند. تمام این عوامل وقتی دست به دست هم بدهند، حاصلش رفتارهایی با ریشه‌های قوی تهاجمی خواهد شد. نکته‌ی قابل توجه این است که اهمیت نقش الگو و تقلید در رشد کودک، این مسئله را خاطر نشان

می‌کند که اصلاً لزومی ندارد اولیا بیش از اندازه در مورد رفتار کودک وسواس به خرج بدهند تا آن رفتارها خودنمایی کنند و بارز شوند، زیرا در آن صورت مشکلات بیشتری به دنبال خواهد داشت. چرا که خیلی از رفتارها ممکن است نتیجه رفتار پدر و مادر نبوده و حاصل عوامل اجتماعی باشند، ولی توجه و وسواس زیاد در مورد آن‌ها باعث رشد و تقویت آن رفتار خواهد شد. مثلاً کودکی که دروغ می‌گوید و آن را از بچه‌های کوچه یاد گرفته یک‌باره پدر و مادر را در تقابل با خودش می‌بیند که به شیوه‌های مختلف و ناراحت کنند. می‌خواهند مانع این رفتار او شوند. با این تخریب بچه‌ها بی‌خود و بی‌جهت حساس می‌شوند.

«آنچه که می‌خواستیم نداد. بچه نمی‌خواستیم شد.» این جمله‌ای است که خیلی از پدر و مادرها ورد زبان‌شان است و با خود می‌گویند چرا این جور شد ما این جور نمی‌خواستیم! نمی‌دونیم کجای کار ما اشتباه بود!...

راست هم می‌گویند اشتباه در آن جا است که طبق ضرب‌المثل معروف: «خطر میخ کوچک، از سنگ بزرگ بیشتر است.» یعنی اگر به طور ناگهانی شیر آب منزل شما خراب شود، سریع به سازمان آب زنگ می‌زنید یا بلکه آب را می‌بندید و به هر جهت مسئله را هر چقدر هم غیرقابل پیش‌بینی بوده باشد به راحتی حل می‌کنید. فقط ممکن است مقداری هزینه مادی در بر داشته باشد. اما زنده می‌ماند. یکی از لوله‌های زیر پایه‌ی ساختمان شما فقط نم می‌دهد، تخریب اساسی به مرور زمان صورت می‌گیرد تا این که ناگهان تمام ساختمان بر سر شما فرو می‌ریزد، در این صورت هزینه‌ی آن شاید اصلاً قابل جبران نباشد. مثال دیگر:

اگر در خیابان سنگ بزرگی را ببینید، اتومبیل را به طرف دیگر می‌رانید. ولی هرگز میخ کوچک را نمی‌بینید که ممکن است لاستیک ماشین شما را پنجر کند و میان راه بمانید. هدف از آوردن این مقدمه، یادآوری این واقعیت است که مسیر تربیت و برخوردهای ما در منزل، دقیقاً اینگونه است. اولیا فقط دوست دارند لباس خوب، مدرسه‌ی خوب، اسباب بازی خوب، بازی‌های پرهزینه، کامپیوتر و تلفن همراه برای فرزندشان فراهم کنند. ولی بیشتر مواقع سنگریزه‌های کوچکی که در مسیر آینده فرزندشان مشکل‌آفرین می‌شود را هرگز نمی‌بینند. چون سوء تربیت نه تنها فرزند را با مشکل مواجه می‌کند، بلکه اعضای خانواده را نیز دچار مشکل می‌کند. مشکلات تربیتی همانند راس مثلث هستند، یعنی از کم شروع شده و به تدریج زیاد می‌شوند. به عبارت دیگر این مشکلات وقتی که از راس مثلث به قاعده آن می‌رسند، هر چه بیشتر، رنگ‌تر و کهنه‌تر می‌شوند تا این که حل آن‌ها بسیار سخت‌تر و غیرممکن‌تر می‌شود. به علاوه تبعات روانی و مادی فراوانی هم در پی خواهند داشت و به جای این که سرگشته و موفقیت زندگی خود باشید، باید تمام فکر و ذهنتان درگیر مشکل فرزندان باشد. به همین جهت است که نظر و توجه تمام متولیان تربیتی و بزرگان اسلامی، بیشتر متمرکز بر دوران کودکی می‌باشد تا مبادا پایه‌های شخصیت کودک گرفتار مشکلات دوران زای می‌گردد که در سن نوجوانی و جوانی دیگر قابل حل نباشند. از آن جا که همه خانواده‌ها دوست دارند زندگی خوب و آرام و فرزندانی موفق و خوشبخت داشته باشند، لذا باید در زندگی خیلی دقیق بوده و مراقب رفتار خود باشند. به عبارتی مدیریت

اخلاق و رفتار داشته باشند. درست است که می‌گویند هر کسی در منزل خود آزاد است و چهاردیواری و اختیاری است، ولی در این چهاردیواری، دوربین‌های بسیار بسیار قوی نصب شده است که تصاویر ضبط شده آن تا صدها سال از حافظه‌اش پاک نمی‌شود! پس کسانی که فرزند دارند، نباید بی‌گدار به آب بزنند و فکر کنند در داخل منزل خود اجازه دارند هر کاری و هر رفتاری را انجام دهند. اتفاقاً رفتار در منزل بسیار مهم‌تر از رفتار در کوچه و خیابان است؛ چرا که داخل خانه مثل آینه است. دقیقاً مطابق با رفتار این جمله زیبای بزرگ‌ترین معلم بشریت، پیامبر بزرگوار (ص) می‌اشد که فرمودند: «پدر و مادر آینه‌ی رفتار برای بچه‌ها هستند.» در این کتاب بنا دارم دروغ گفتن پدر و مادرها یا اطرافیان را مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار دهم و سپس تصاویر را به خودتان بسپارم. اصلاً لازم نیست آن قدر حساس باشیم. فقط کافی است خوب بیندیشیم و کمی درنگ کنیم، آن وقت ذهن ما به طور خودکار جواب خواهد داد. هم از این رو است که این کتاب را «دروغ گفتن» نام گذاشته‌ام به این معنا که رفتار امروز ما، چه صدایی در آینده خواهد داشت؟ رفتارهای ما دقیقاً مصداق همان داستان است که می‌گویند «بعداً صدایش در می‌آید!» گاهی ما به پیامدهای رفتارمان اصلاً توجه نمی‌کنیم و در باورمان نمی‌گنجد و فکرش را هم نمی‌کنیم که چه اتفاقی خواهد افتاد. شاید نتیجه حاصله برایمان بی‌ارزش است که این قدر ساده می‌گیریم. ناگفته نماند شاید شما هزاران کار خوب هم در منزل انجام دهید که در جای خود ارزشمند و قابل توجه باشند. ما منفی‌گرا نیستیم و فقط نیمه خالی لیوان را

نمی‌بینیم! ولی از آن جایی که می‌خواهیم تمام نواقص برطرف شود و به نتیجه‌ی مطلوب برسیم، انگشت روی نقاط ضعف یا رفتارهایی که بازده منفی دارند، گذاشته‌ایم. از طرفی رفتارهای خوب که خوب هستند و زیاد نیاز به دستکاری ندارند و ممکن است هرگز هم برای شخص ایجاد مشکل ننمایند و مسیر عادی خودشان را طی کنند. انتظار هم این است که همه‌ی رفتارها نیک و پسندیده باشند. در حقیقت دیدگاه ما این است، زمانی که تمام درخت‌ها و گل‌های گستان با صلابت هستند، همین که چندتایی درخت خشکید و گلی پژمرده شد، باید در دیدگاه عادت برآمد. زیرا ممکن است آفت تمام باغ را فرا بگیرد و آن وقت به جای چند گل پژمرده، دیگر گل باطراوتی نبینیم. آن موقع دیگر نمی‌توان درمانی انجام داد و همه‌ی گل‌ها نابود شده‌اند. پس در بین هزاران رفتار خوبی که همه داریم، نباید نگران دهیم کوچک‌ترین رفتاری خانواده و فرزندان ما را در آینده با مشکل مواجه کند. لذا بحث ما مشکلات رفتاری در سطح گسترده نیست. تصور نکنید وقتی از دروغ‌گویی صحبت می‌کنیم منظور همان ریز رفتارهایی هستند که به راحتی قابل اصلاح است.^۱ خان که در اسلام هم تاکید شده است دروغ‌گویی جزء بدترین گناهان است. پیامبر (ص) می‌فرماید: «پیوسته دروغ گفتن از گناهان بزرگ است.»^۲

۱. میرزا بیگی، صدای رفتار ما ص ۱۱

۲. رهگشایی انسانیت ص ۱۹۷

«این است و جز این نیست که به دروغ افترا می‌بندند کسانی که ایمان به خدا ندارند.»^۱

پیامبر بزرگوار اسلام (ص):

«راستی مایه آرامش و دروغ مایه بی‌قراری است.»^۲

«رفتات با دروغگو پرهیز که همچون سراب است و دور را نزدیک می‌کند و نزدیک را دور.»^۳

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«بنده‌ای سزاوارت ایمان نمی‌یابد تا دروغ را ترک کند، خواه از روی شوخی باشد یا از جدی.»^۴

امام محمد باقر (ع) می‌فرماید:

«دروغ خراب‌کننده بنای ایمان است.»

امام حسن عسکری (ع) فرماید:

«جمع اعمال خبیثه در خانه‌ای است و کلید آن خانه دروغ است.»^۵

کانت دروغ را به هر دلیل و شکلی، کاری بسیار بی‌ارزش و ناپسندیده می‌داند.

۱. نحل آیه ۱۰۵

۲. رهگشایی انسانیت ص ۱۹۵

۳. همان منبع

۴. معراج العاده ص ۴۸۷

۵. همان منبع